



بررسی و تحلیل سند چشم‌انداز از زبان محمد قاسمی، اقتصاددان

## سند چشم‌انداز، شاخص عینی نداشت



اگر از نظر دانش برنامه‌ریزی به مسأله نگاه کنیم، می‌بینیم یکی از اجزای برنامه‌های بلند مدت توسعه‌ای، همین اهدافی است که در سند چشم‌انداز آمده است. بنابراین همه کشورهایی که برای اداره کشور و تعیین مسیر پیش رو برنامه‌ریزی داشته‌اند، این نوع سندها را هم داشته‌اند. یعنی برنامه‌های یکساله، برنامه‌های ۳ تا ۷ ساله به عنوان میان مدت و در نهایت برنامه‌هایی که دربرگیرنده یک افق چشم‌انداز بود. در مجموع در ادبیات برنامه‌ریزی همه این نوع برنامه‌ها در کشورهای مختلف وجود دارند و دیده می‌شوند. کشوری مانند ترکیه برای ۲۰۳۵ خود برنامه و سندی مانند این تنظیم کرده است یا اتحادیه اروپا هم چنین برنامه‌هایی دارد. در ایران

مسعود پزشکیان بود که بار دیگر نام سند چشم‌انداز ۲۰ ساله را زنده کرد؛ سندی که قرار بود ایران را در افق ۱۴۰۴ به قدرت اول اقتصادی، علمی و فناوری منطقه غرب آسیا تبدیل کند. اما حالا، در حالی که سال ۱۴۰۴ موعد تعیین شده در سند چشم‌انداز به پایان می‌رسد که اندازه و حجم اقتصاد ما تقریباً ۳ برابر کمتر از عربستان و بیش از دو برابر کوچک‌تر از ترکیه است، در حالی که در سال تنظیم و تصویب این سند فاصله ما با این دو همسایه رقیب بسیار کمتر بود. اما آنان پیش رفتند و ما نه تنها پیش نرفتیم، بلکه برخلاف مسیر تعیین شده برای کشور، پس‌رفت هم داشتیم. درباره این پس‌رفت و بالاتر از آن، علت بی‌توجهی به سند چشم‌انداز و اینکه چرا با همان شتاب و قوتی که تصویب شد، با همان شتاب و قوت هم به محاق رفت و عملاً بایگانی شد، با محمد قاسمی اقتصاددان گفت‌وگو کرده ایم.

داشتند؟ آیا سند نویسی می‌تواند ما را به اهداف مدنظر برساند یا اینکه شورایی بدون سند نویسی مانند سند چشم‌انداز به اهداف توسعه‌ای خود رسیدند؟

این سؤال برای بسیاری وجود دارد که سند چشم‌انداز برچه مبنایی تدوین شد؟ آیا ایران چنین سندی داشت یا اینکه دیگر کشورها هم شبیه به آن را

رضوانه رضایی پور

روزنامه نگار